

راه و رسم نویسندگان

مجموعه مقالات درباره نویسندگان جهان

آرش نقیبیان



راه و رسم نویسندگان

راه و رسم نویسندگان

مجموعه مقالات درباره نویسندگان جهان

آرش نقیبیان



راه و رسم نویسندگان
آرش نقیبیان
(مجموعه مقالات)



چاپ اول: ۱۴۰۱
ویرایش و نمونه خوانی: تحریریه فرهنگ آرش
تیراژ: ۵۰۰ نسخه
قیمت: ۹۵۰۰۰ تومان

ISBN: 978-622-99363-8-2

تمام حقوق محفوظ است. هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی، از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا نیست. این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

انتشارات فرهنگ آرش: خ شهید بهشتی - میدان تختی - خ شهید خلیل حسینی -
نیش پلتن - پلاک ۷ - طبقه سوم - ۰۹۱۲۵۵۷۸۹۷۰ - FarhangeArash

کتابفروشی فرهنگ آرش: ولنجک، خیابان سیزدهم، مرکز خرید گالریا، طبقه دوم

سرشناسه	:	نقیبیان، آرش، ۱۳۵۵ -
عنوان و نام پدیدآور	:	راه و رسم نویسندگان : مجموعه مقالات درباره نویسندگان جهان / آرش نقیبیان.
مشخصات نشر	:	تهران : فرهنگ آرش، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	:	۱۹۲ ص. : مصور (عکس)؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
شابک	:	۹۷۸-۶۴۲-۹۹۳۶۳-۸-۲
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
موضوع	:	نویسندگان -- قرن ۲۰ م.
	:	Authors -- 20th century
رده بندی کنگره	:	PN۴۶۶
رده بندی دیویی	:	۸۰۹/۰۴
شماره کتابشناسی ملی	:	۸۷۵۱۱۱۴
اطلاعات رکورد کتابشناسی:	:	فیبا

فهرست

- حرف‌هایی از سرناگزیری (آرش نقیبیان) ۹
- ادبیات و سیاست (درباره رمولو گایه‌گوس) ۱۱
- آدم، آدم است (درباره برتولت برشت) ۱۵
- افسانه‌های آسیایی (درباره کنت دو گوبینو) ۱۹
- افیون روشنفکران (درباره رمون آرون) ۲۳
- اگر خورشید بازنگردد (درباره شارل فردینان رامو) ۲۷
- اندوه بلغارستان (درباره ایوان وازوف) ۳۱
- بار هستی (درباره میلان کوندرا) ۳۵
- بازی‌های خطرناک (درباره اغوز آتای) ۳۹
- بل‌آمی (درباره گی دو موباسان) ۴۳
- بودلر قرن بیستم (درباره بلز ساندرار) ۴۷
- پدران و پسران (درباره ایوان تورگنیف) ۵۱
- پهلوان عرصه فرهنگ (درباره دنی دیدرو) ۵۵
- پیام‌آور مطرود (درباره لئون بلوم) ۵۹
- پیش از سپیده‌دم (درباره گره‌هارت هاوپتمان) ۶۱
- پیوسته در مخاطره (درباره آدونیس (علی احمد سعید اسبر)) ۶۵
- تابستان ۱۹۱۴ (درباره روژه مارتن دوگار) ۶۹
- چشمان نخفته در گور (درباره میگل انخل آستوریاس) ۷۳

۷۷.....	چنگ و نیشتر (درباره سیمون وستدیک)
۸۱.....	خون و شن (درباره ویسنته بلاسکو ایپانز)
۸۵.....	داستان‌های نا آشنا (درباره یوهانس ویلهلم ینسن)
۸۹.....	در اعماق (درباره اسکار وایلد)
۹۳.....	در جستجوی حقیقت و عدالت (درباره شارل پگی)
۹۵.....	درجه صفر نوشتار (درباره رولان بارت)
۹۹.....	دنیای کوچک نو (درباره آنتونیو فوگاتزارو)
۱۰۳.....	زندگی در کشتزارها (درباره جووانی ورگا)
۱۰۵.....	زندگی در مستعمره (درباره مولتا تولی)
۱۰۹.....	شاعر مرگ‌اندیش (درباره آنا دو نوای)
۱۱۳.....	شاهزاده نسل جوان (درباره موریس بارس)
۱۱۵.....	شب لطیف است (درباره اسکات فیتز جرالذ)
۱۱۹.....	شفافیت و مانع (درباره ژان ژاک روسو)
۱۲۳.....	طلادر لجن (درباره ژيگموند موریتس)
۱۲۷.....	فرزند اکبر (درباره الکساندر سولژنیتسین)
۱۳۱.....	فرمینا مارکس (درباره والری لاریو)
۱۳۳.....	قدرت و جلال (درباره گراهام گرین)
۱۳۷.....	قربانیان وظیفه (درباره اوژن یونسکو)
۱۴۱.....	قصه‌گویی به سبک شرقی (درباره پانائیت ایستراتی)
۱۴۳.....	کجا می‌روی؟ (درباره هنریک شنکه ویچ)
۱۴۷.....	کودک پهنه دریا (درباره ژول سوپرویل)
۱۵۱.....	گل سرخ‌ای تناقض ناب (درباره راینر ماریا ریلکه)
۱۵۵.....	ما گریه هستیم (درباره ناتسومه سوسه کی)
۱۵۹.....	ماندارن‌ها (درباره سیمون دوبووار)
۱۶۳.....	محفل بلژیکی‌ها (درباره کامی لومونیه)
۱۶۷.....	مردم سلدویلا (درباره گو تفرید کلز)
۱۶۹.....	مردی روی آب (درباره آرتور فان اسخندل)
۱۷۳.....	من متهم می‌کنم (درباره امیل زولا)

۱۷۷.....	میدل مارچ (درباره جورج الیوت)
۱۸۱.....	مرگ نور (درباره طاهر بن جلون)
۱۸۳.....	وصیتنامه حضرت والا (درباره هیالمار برگمان)
۱۸۷.....	وقایع ملی (درباره بنیتو پرس گالدوس)
۱۸۹.....	یک تراژدی آمریکایی (درباره تنودور درایزر)

به روان پاکِ دو پدر بزرگِ نیک اندیش
سید رضا نقیبیانِ نراقی
ابراهیم متقی
که حسرت دیدارشان بر دلم مانده است.



۱۳۷۷ -
Arash Neghbian

حرف‌هایی از سرناگزیری

آرش نقیبیان

راه و رسم نویسندگان در ادامه کتاب قبلی‌ام (جهان نویسندگان) است که در آن به آثار بیش از هفتاد نویسنده بزرگ ادبیات جهان پرداخته بودم و خوشبختانه تاثیر و ثمر بخشی‌اش را به رای‌العین مشاهده کردم. خوب به خاطر دارم افرادی که جهان نویسندگان را خریده و خوانده بودند با چه شوقی به کتابفروشی ثالث می‌آمدند (در آن تاریخ من مسئول بخش کتاب آن جا بودم) و سراغ آثار نویسندگانی را می‌گرفتند که در کتاب معرفی شده بود. جهان نویسندگان به لحاظ این که مقالات‌اش قبلاً در روزنامه ایران به چاپ رسیده و بعداً تدوین و منتشر شده بود بالطبع محدودیتی از بابت تعداد کلمات داشت ولی مقالات کتاب حاضر این محدودیت را ندارند و در ضمن بکر و دست‌نخورده هستند و صرفاً برای تدوین در این کتاب، نوشته شده‌اند. توجه من در راه و رسم نویسندگان مشخصاً به ادبیات جهانی بوده است چیزی که فقر و عدم آگاهی از آن را سال‌هاست احساس می‌کنم از این رو تدوین و انتشار این کتاب از دو جهت سودمند است، نخست آشنایی مخاطبان ایرانی با نویسندگان بزرگ جهان و دیگر توجه مترجمان ایرانی به آثار نویسندگان نابی که در این اثر معرفی شده‌اند و کتاب‌هایشان هنوز به فارسی برگردانده نشده است و این در حالی است که بازار کتاب ایران از ترجمه‌های نویسندگان بازاری و دست‌چندم ادبیات جهان، اشباع شده، چرا که نه قاطبه ناشران ایران این دید کتابشناسی و نویسنده‌شناسی را دارند که بتوانند سره را از ناسره تشخیص بدهند و نه مترجم‌جماعت وطنی، بصیرت درستی از ادبیات دنیای امروز دارد (البته به جز چند استثنا) از میان پنجاه مقاله این کتاب سهم عمده را نویسندگان فرانسوی دارند و بعد از آن به نویسندگان مهم کلاسیک و معاصر اروپا، آسیا

(ژاپنی، ترک و عرب) و آمریکای لاتین پرداخته شده است و نکته آخر این که توجه و عطف نظر من در این مقالات بیشتر به ادبیات خلاقه (رمان، شعر و نمایشنامه) بوده ولی در میان چهره‌های این کتاب به چند سیاست پیشه و منتقد ادبی نیز برمی‌خوریم که من به آثارشان علاقه ویژه‌ای داشته‌ام بزرگانی چون: (لئون بلسوم، رمون آرون و رولان بارت) بسیار امیدوارم راه و رسم نویسندگان نیز مانند اثر قبلی‌ام با توجه و استقبال اهل کتاب روبرو شود و به قول شاعر قبول افتد و در نظر آید.



۱۸۸۴-۱۹۶۸
Romulo Gallegos

ادبیات و سیاست

درباره رومولو گایه‌گوس

این که نویسندگان آمریکای لاتین به جز ادبیات به سیاست ورزی هم علاقمندند، نکته‌ای نیست که بر کسی پوشیده باشد. ماریو بارگاس یوسا در انتخابات ریاست جمهوری پرو از آلبرتو فوجی موری رقبش شکست خورد و میگل آنخل آستوریاس چندین سال نماینده فرهنگی کشورش (گواتمالا) در فرانسه و آلمان بود. البته در اروپا هم نمونه‌هایی از این دست داشته ایم که مشهورترین آن‌ها واتسلاو هاول نمایشنامه نویس بزرگ چک است که چندی هم به عنوان رئیس جمهوری کشورش انتخاب شد اما این تب سیاست پیشگی و قدرت دوستی در آمریکای لاتین همیشه داغ بوه است و ما در این مقال قصد داریم به یکی از نویسندگان و سیاستمداران بزرگ این خطه پردازیم، رومولو گایه‌گوس نویسنده ونزوئلایی که با تاسف تا امروز کتابی از او به فارسی ترجمه نشده و نزد علاقمندان به ادبیات آمریکای لاتین در ایران (که تعدادشان کم هم نیست) ناشناس مانده است. او در کاراکاس در خانواده‌ای کم درآمد زاده شد و در سال ۱۹۰۳ پس از دریافت دیپلم دبیرستان به دانشگاه وارد شد ولی به سبب فقر نتوانست تحصیلات آکادمیک‌اش را به پایان برساند. در سال ۱۹۰۹ با چند تن از دوستان همفکرش مجله‌ای به نام (سپیده‌دم) تاسیس کرد که پس از هشت شماره به محاق توقیف افتاد. در آن زمان ریاست جمهوری ونزوئلا را خوان گومس بر عهده داشت که مردی مستبد و خشن بود و جلوی هر گونه فعالیت صنفی و آزادی‌های فرهنگی را می‌گرفت. رومولو گایه‌گوس در سال ۱۹۲۶ برای درمان همسر بیمارارش از کشور خارج شد و به پاریس رفت و در همین شهر بود که نخستین رمانش را با نام (رینالدو سولار) به چاپ رساند در حالی که بیش از چهل سال از عمرش می‌گذشت. کتاب بعدی او (گیاه

رونده) استعداد مسلم او در داستان نویسی را بر همگان ثابت کرد. این کتاب تحلیلی دقیق از روحیه پسری نامشروع است که پیوسته در جستجوی خانواده واقعی خویش است. سال ۱۹۲۹ نقطه عطفی در زندگی ادبی گایه‌گوس بود. انتشار رمان (دولیا باربارا) که شاهکار مسلم این نویسنده است و شهرت قابل ملاحظه‌ای برای او به ارمغان آورد سرآغاز موفقیت‌های ادبی او تا پایان عمر شد. در این رمان مالکی روستائی که سالیان دراز در شهر زیسته برای فروش املاک خود به روستا بازمی‌گردد و به محض ورود از زندگی خشن و پر خطری که طبیعت و حیوانات وحشی در آن جا به وجود آورده‌اند، به هراس می‌افتد. رودخانه‌ها از ماهی‌های خطرناک و تمساح‌های هولناک انباشته شده‌اند و جنگل‌های ناحیه، کنام پلنگان و شیران شده و مراتع سرسبز روستا هم در تصرف اسبهای وحشی است. او باید با تمام این عوامل مبارزه کند. حیوانات را رام کند و از همه مهمتر با افرادی که چشم طمع به املاک او دوخته‌اند تسویه حساب نماید. در این میان زنی خبیث و حيله گر به نام دولیا باربارا در همسایگی اوست که زندگی نامنظمی دارد و نقشه‌های شومی برای مالک بینوا کشیده است. او (مالک) سرانجام با کمک تعدادی از روستائیان صدیق و خوش نیت موفق می‌شود تا تمامی مشکلات را از سر بگذراند. پیروزی او در حقیقت پیروزی محتوم خیر بر شر است. رمان بعدی تمثیلی دارد و دکترین فکری رومولو گایه‌گوس را به بهترین شکلی بیان می‌کند. نویسنده در این رمان درخشان و تاثیرگذار نقبی هم به اسطوره‌ها و آیین‌های کهن مردمان بومی ونزوئلا می‌زند و تقابل تجدد و سنت را در جوامع توسعه نیافته بیان می‌کند. رمان دولیا باربارا در اسپانیا موفق به کسب جایزه بهترین رمان سال شد. این موفقیت کینه و دشمنی گومس رییس جمهور را بر ضد او برانگیخت پس با ترفندی سعی کرد تا نویسنده بزرگ را نمک گیر کند، پیشنهاد سناتوری به گایه‌گوس داد ولی این رشوه موثر واقع نشد و رومولو گایه‌گوس ونزوئلا را ترک کرد و به مادرید رفت و در آن جا اوقاتش را بیشتر مصرف نوشتن و پژوهش کرد. رمان (کانائیمّا) در سال ۱۹۳۵ در مادرید چاپ شد. مقامات ونزوئلا جلوی انتشار این رمان را در کاراکاس گرفتند و نام گایه‌گوس را در فهرست سیاه کشور جای دادند. کانائیمّا داستانی است از جنگل‌های استوایی به هنگامی که کانائیمّا یا همان (روح شیطانی) در آن اقامت دارد. در این رمان گایه‌گوس سرگذشت و حوادث زندگی قهرمان کتاب را که به دنبال کسب ثروت و ماجراجوئی زادگاه خود را ترک می‌کند، وسیله‌ای قرار می‌دهد

برای توصیف جامعه سفید پوستان ونزوئلا و مغایرت و تضاد عمیق آن‌ها با بومیان این کشور. رومولو گایه‌گوس به هنگام تبعید در مادرید کمتر به محفل‌های ادبی اسپانیایی رفت و آمد می‌کرد و اوقاتش بیشتر با مخالفان و تبعیدی‌های ونزوئلایی می‌گذشت. او هنگامی که خبر درگذشت رییس جمهور گومس را شنید به کشورش بازگشت و مقام‌های مهمی مانند وزارت آموزش و فرهنگ و نمایندگی مجلس را عهده دار گردید. در ۱۹۴۱ نامزد انتخابات ریاست جمهوری ونزوئلا شد و در دور اول از رقیب‌اش شکست خورد. بعد از این شکست گایه‌گوس با تنی چند از دوستان و همفکرانش حزبی سیاسی تاسیس کرد و شش سال بعد مجدداً در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرد و این بار پیروز شد. در همان سال از طرف ترومن رییس جمهور وقت امریکا به آن کشور دعوت و در دانشگاه کلمبیا به او دکترای افتخاری دادند. چند ماهی از دوران ریاست جمهوری او بیشتر نگذشته بود که حکومت‌اش به وسیله کودتای نظامی سرنگون شد و گایه‌گوس و خانواده این بار به کوبا پناهنده شدند. پس از این رخداد، نویسنده بزرگ برای همیشه سیاست را کنار گذاشت و مشغول کار اصلی‌اش (نویسندگی) شد و تا پایان عمر خود را یک سر وقف خواندن و نوشتن کرد. رومولو گایه‌گوس برای خلق رمان‌های زیبا و باشکوه خود در گام اول از طبیعت بکر ونزوئلا بهره برده است. سوژه‌های او غالباً افسانه‌ای و سمبولیک است و در این میان نکته حائز اهمیت این است که در جدال همیشگی خیر و شر و تمدن و بربریت رومولو گایه‌گوس پیوسته جانب ترقی و پیشرفت را می‌گیرد. به تعبیر گریگوری راباسا مترجم بزرگ ادبیات امریکای لاتین به زبان انگلیسی، رومولو گایه‌گوس بی‌تردید یکی از نیرومندترین فیگورهای ادبیات لاتین تا همیشه است.



۱۸۹۸-۱۹۵۶
Bertolt Brecht

آدم، آدم است

درباره برتولت برشت

در سال ۱۹۶۸ ناشران آلمانی مجموعه مفصلی از کتابشناسی آثار برتولت برشت شاعر و نمایشنامه نویس بزرگ را منتشر کردند که در نوع خود به سبب کمیت و تنوع حیرت انگیزش قابل ملاحظه است. این کتابشناسی شامل سه هزار و پانصد صفحه آثار تمایشی، هزار و سیصد صفحه اشعار، هزار و پانصد صفحه رمان و داستان کوتاه و بالغ بر دو هزار صفحه مقالات و رساله‌های تئوریک او در زیبایی‌شناسی و سیاست است. این حجم کار عظیم در عمری نه چندان بلند، توجه خوانندگان را به هنرمند بزرگی جلب می‌کند که در حد وسواس دقیق و منظم و پر کار بود و مطلقاً وقت و زمانش را هدر نمی‌داد. البته این نکته را نباید فراموش کرد که همه کارهای او در یک سطح از اهمیت نیستند و بدون تردید پرکاری او بر کیفیت برخی از آثارش لطمه زده است. اما با هر متر و معیاری که بسنجیم، او یکی از بزرگترین کاراکترهای فرهنگی و ادبی قرن بیستم بود و تاثیر شایان توجهش بر چندین نسل بعد از خود انکارناپذیر می‌باشد. برشت در خانواده‌ای سرشناس و مرفه در شهر اکسبورگ در جنوب آلمان به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات دبیرستانی در ۱۹۱۷ به مونیخ رفت و در رشته پزشکی به تحصیل ادامه داد که به سبب شروع جنگ اول جهانی، درس او ناتمام ماند. در طول جنگ برشت به عنوان پرستار، در بیمارستانی نظامی خدمت کرد و از مشاهده وضع رقت انگیز بیمارستان و بیمارانی که به امان خدا رها شده بودند، احساسی از دلزدگی و بیزاری از مفاهیمی چون ملیت و وطن پرستی و میلیتاریسم به او دست داد که بعدها در بهترین نمایشنامه‌های خود آن حالات روحی و عوالم پرا دبار را منعکس کرده است. اولین کتاب او (دعای خانگی) نام داشت که مجموعه‌ای از اشعار تغزلی او بود و پس

از چاپ این کتاب، به نوشتن نمایشنامه روی آورد و در ۲۰ سالگی نمایش (بعل) را نوشت که ایزدی اساطیری از شرق باستان بود و مظهری خوفناک از شقاوت و قساوت را به نمایش می‌گذاشت که در ایام شباب می‌توان آن رانمودی از ذهنیت مالیخولیایی نویسنده‌اش دانست. دومین نمایشنامه برتولت برشت (آوای طبل‌ها در شب) به فاصله کوتاهی پس از کتاب بعل به چاپ رسید. این نمایشنامه سرگذشت اندوه‌بار سربازی از جنگ برگشته را روایت می‌کند که در بدو ورود به خانه، متوجه خیانت همسرش می‌شود. برشت در این نمایشنامه درخشان و تاثیرگذار پرده وسیع و تیره و تاری از محیط آلمان پس از جنگ را تصویر می‌کند که در نوع خود بی‌نظیر است. در سال ۱۹۲۶ با انتشار نمایشنامه (آدم، آدم است) به ناگهان نظر منتقدان ادبی و هنری به سوی او جلب می‌شود. برشت در این نمایشنامه برای اولین بار موضوع تغییر و تحول بشر را مطرح کرده و بر تحول شخصیت انسانی صحنه گذاشته است. او معتقد بود که همه چیز در جهان دگرگون می‌شود و هیچ چیز ثابت و پایدار نمی‌ماند. آدم، آدم است نخستین نمایشنامه‌ای بود که در آن برتولت برشت به طور مستقیم با تماشاگران ارتباط برقرار می‌کند و این سرآغاز چیزی است که بعدها در تئاتر او به (تکنیک فاصله‌گذاری) معروف شد و انقلابی عظیم در هنرهای نمایشی قرن بیستم به پا کرد که تا همین امروز نیز شاهد تاثیرات آن هستیم. مارتین اسلین منتقد بزرگ هنری در کتابی که درباره برتولت برشت نوشته است آثار او را به سه دوره تقسیم می‌کند، دوره نخست نوشته‌هایش رنگین و سرشار از ایماژهای پر جلوه و زیبا بود. مرحله دوم در دهه سی میلادی برتولت برشت به نمایشنامه‌های آموزشی و مکتبی روی آورد که حالتی جدی، خشک و غیر منعطف داشت و دوره سوم، زمان تلفیق نظریه‌ها و فرضیه‌هاست که در شاهکارهای نمایشی‌اش جلوه‌گر می‌گردد. این آثار اولین بار در کشورهای اسکاندیناوی نوشته شد و به صحنه آمد. نباید این نکته را فراموش کرد که تئاتر برشت از جنس مبارزه و جدل است و جنبه ارشادی و تربیتی آن همواره برسویه سرگرم‌کننده و تفریحی‌اش می‌چربد. او اساساً هنرمندی نبود که اعتقادی به سرگرم کردن خوانندگان داشته باشد و در هر ژانری که قلم می‌زد اهداف آموزشی و فلسفی را مقدم بر هر ایده دیگر می‌دانست. به تعبیر ظریف مارتین اسلین برشت تئاتر حماسی را جایگزین تئاتر دراماتیک کرد تا بتواند قوه تمیز و روحیه قضاوت و نقد را در بینندگان نمایشنامه‌ها و خوانندگان کتاب‌هایش، به وجود آورد. در نظر این فیلسوف تئاتر، بهترین نمایشنامه

آن نیست که پیچ و خم و گره افکنی بسیار داشته باشد بلکه شایسته است مستقیم به اصل موضوع پرداخته شود. او از تماشاگران دعوت می‌کرد که صرفاً بیننده منفعل نمایشنامه‌های او نباشند و مستقیم در آن چه می‌بینند و می‌خوانند شرکت کنند و تاثیر بگذارند. در سال ۱۹۳۳ برتولت برشت به سبب مشی ضد فاشیستی‌اش ناگزیر به ترک آلمان شد. کتاب‌های او را در میهنش، سوزاندند و تابعیت آلمانی‌اش را لغو کردند. پس از ترک آلمان چندی به فرانسه رفت و در آن جا، نمایشنامه تک پرده‌ای (تفنگ‌های خانم کادر) را نوشت و بعد به دانمارک رفت و با مهاجران و تبعیدیان آلمانی ارتباط گرمی برقرار کرد. در این هنگام نمایشنامه (کله گردها و کله تیزها) را نوشت که اثری ضد هیتلری بود. در کشور فنلاند او نمایشنامه تحسین شده (ارباب پونتیللا و نوکرش ماتی) را به صحنه برد که بی‌تردید یکی از بهترین آثار نمایشی اوست. بدون تردید پرداختن به تمامی وجوه فرهنگی این نابغه استثنایی، در یک مقاله چند صد کلمه‌ای نمی‌گنجد کما این که تا امروز صدها مقاله و کتاب درباره برشت و آثارش در سراسر جهان نوشته شده و همچنان حرف‌های ناگفته درباره او بسیار است، به قول شاعر، تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.



۱۸۱۶-۱۸۸۲
Comte de Gobineau

افسانه‌های آسیایی

درباره کنت دو گوبینو

این کارمند نافرمان دولت که نه با روسای خود می‌ساخت و نه با مرئوسان خویش، سخن از کنت دو گوبینو است که جایگاهش در فرهنگ جهانی سال‌ها مغفول ماند و تنها در ربع اول قرن بیستم بود که با تلاش‌های آلن روشنفکر و فیلسوف فرانسوی، اهمیت آثارش برای همگان آشکار شد. گوبینو فرزند افسر گارد سلطنتی بود و سال‌های کودکی و نوجوانی را در میان خاطرات افتخارآمیز اجدادی سپری کرد. در جوانی زبان آلمانی را به خوبی فراگرفت و به تشویق پدر به آموختن زبان‌های شرقی پرداخت و با هوش بالایی که داشت عربی و فارسی را بسیار زود آموخت. در نوزده سالگی به پاریس رفت و برای امرار معاش به شغل‌های گوناگونی پرداخت. برای روزنامه‌ها مقاله می‌نوشت و متن‌های کوتاه ترجمه می‌کرد. گوبینو در این زمان مصمم شد تا از راه نوشتن رمان‌های عشقی و حادثه‌ای شهرت و ثروتی به دست بیاورد. اولین نمونه کار او کتابی با نام (زندانی خوش اقبال) است که در ابتدا به صورت پاورقی در روزنامه منتشر و سپس چاپ شد. گوبینو، الکساندر دوما را الگوی خود قرار داده بود که رمان‌های مطول‌اش در آن تاریخ، فرانسوی‌ها را ذوق‌زده می‌کرد. رمان بعدی گوبینو (مادمازل ایرنوا) هم ابتدا به شکل پاورقی در روزنامه ناسیونال پاریس چاپ شد و چند سال بعد به صورت کتاب مستقل منتشر گردید. کتاب درباره دختر جوان و ثروتمندی است که از دو پا فلج است و روزگارش به خیالبافی می‌گذرد. در این میان مرد جوان و فرصت طلبی به طمع ثروت دختر به خواستگاری او می‌آید و ایرنوا هم با عدم رضایت قلبی تن به این وصلت می‌دهد ولی چند روز پس از عقد، دست به خودکشی می‌زند. انتشار رمان (پلثیاد) در سال ۱۸۷۴ با موفقیت فراوانی روبرو شد. صراحت و استادی گوبینو در توصیف پرسوناژهای

داستان و روایت جذاب نویسنده باعث شد تا کتاب فروش بالایی داشته باشد. در سال ۱۸۴۸ درهای مشاغل سیاسی و دیپلماتیک بر گوبینو که طرفدار نظام سلطنتی بود، گشوده شد. در ابتدا به مقام ریاست دفتر وزیر خارجه رسید و چند ماموریت سیاسی به هانوفر و فرانکفورت رفت. در ۱۸۵۲ بخش اول کتاب (گفتار در عدم تساوی نژادها) را نوشت که بلافاصله به زبان آلمانی و انگلیسی ترجمه شد. سه سال بعد بخش دوم کتاب از چاپ در آمد و این درست مصادف بود با سفر او در راس هیاتی دیپلماتیک به ایران. گوبینو ماموریت داشت تا روابط سیاسی پاریس و تهران را بهبود بخشد. در همین ایام کتاب مشهور خود (ادیان و فلسفه‌های آسیای مرکزی) را نوشت که مهمترین تحقیق حرفه‌ای در تاریخ فرهنگی کشورهای آسیایی، به خصوص ایران بود. او در این کتاب موضوع نژاد را به عنوان قوه محرکه تاریخ مورد بحث قرار می‌دهد. به عقیده گوبینو مسئله نژادی نه تنها بر تمام مسائل دیگر تفوق دارد، بلکه محور و موضوع اساسی هر مطالعه تاریخی است. در این کتاب نویسنده همچنین به موضوع اختلاط نژادهای مختلف پرداخته و توضیح می‌دهد که چگونه یک نژاد خالص و برتر در امتزاج با نژادهای پست، به انحطاط و هزیمت می‌افتد. گوبینو به طور مشخص به نژاد قوی و ضعیف معتقد است و در این باب فاکتورهای متعددی از نسب‌شناسی و بیولوژی را برای اثبات ادعای خود می‌آورد که هر چند امروز به نظر عبث و بی‌پایه می‌رسد ولی در روزگار او با استقبال بسیاری روبرو گشت. نظریه نژادی گوبینو در نیمه اول قرن بیستم توسط حزب ناسیونال سوسیالیست آلمان (نازی) مورد بهره‌برداری سیاسی قرار گرفت و فاجعه‌ای بزرگ را برای بشریت رقم زد. کنت دو گوبینو خاطرات سفر خود به ایران را بعدها با نام (سه سال در آسیا) منتشر کرد. اولین بخش این کتاب مربوط به سفر هیات فرانسوی و عبورشان از شهرهای بی‌شماری است که در مسیر پاریس به تهران طی کرده‌اند. دومین بخش کتاب به تاریخ، مذهب، سیاست و وضع اجتماعی توده مردم در کشورهای آسیایی و به خصوص (ایران) می‌پردازد و بخش پایانی کتاب ارتباط آسیا و اروپا را بررسی می‌کند. سال‌های آخر عمر این سیاستمدار، رمان‌نویس و مورخ فرانسوی در سفر به کشورهای اروپائی به خصوص ایتالیا و آلمان گذشت و در همین ایام بود که کتاب (افسانه‌های آسیایی) را به چاپ رساند. گوبینو طی سال‌های اقامتش در شرق، فیش‌های این کتاب را آماده کرده بود و در نهایت توانست انتشار این اثر جذاب را که هم روایتی خواندنی دارد و هم برای

پژوهشگران و محققان سند ارزشمندی است در زمان حیات خود ببینند. از آن کنت دو گوینو به جز کتاب‌های تاریخی و رمان هایش، چند دفتر شعر هم باقی مانده است که در میان آن‌ها منظومه (آمادیس) از شهرت بیشتری برخوردار است و دو هزار بیت را در برمی‌گیرد. در این کتاب گوینو یک بار دیگر نظریه نژادی خود را بازگو کرده و نکات جدیدی هم به آن افزوده است. در دهه پنجاه قرن بیستم به همت انتشارات گالیمار مجموعه هشت جلدی مکاتبات و نامه نگاری‌های کنت دو گوینو منتشر شد و بدین طریق چهره دیگری از این مورخ و نویسنده جنجالی مقابل چشم خوانندگان قرار گرفت.



۱۹۰۵-۱۹۸۳
Raymond Aron

افیون روشنفکران

درباره رمون آرون

رمون آرون بی‌تردید جهان وطن‌ترین اندیشمند فرانسوی دوران خویش بود و زمانی که در سال ۱۹۸۳ درگذشت به جایگاهی استثنایی در حیات اجتماعی فرانسه دست یافته بود. تقریباً همه از عارف و عامی او را می‌شناختند و نوشته‌ها و افکارش در پهنه گسترده‌ای از افکار عمومی و محافل دانشگاهی مطرح و بر سر زبان‌ها بود. او به عنوان تنها متفکرخلاف جریان فرهنگ فرانسوی عمری با اندیشه چپ و حکومت‌های توتالیتیر منبعث از کمونیسم، مبارزه کرد و صد البته نباید فراموش کنیم که او تا مدت‌ها مورد طعن و نفرین روشنفکران چپ‌گرای فرانسوی بود که افکار لیبرال او را تاب نمی‌آوردند و آرون را نوکر امپریالیسم می‌نامیدند. روشنفکری چپ فرانسه در آن سال‌ها چون پروانه بر گرد شخصیت کاریزماتیک ژان پل سارتر می‌گشت که خرقه مرادی بر دوش انداخته بود و طرفدارانش چون مرشدی معنوی به او می‌نگریستند و کمتر کسی جرات می‌کرد تا افکار سیاسی غلط و مجعول سارتر را نقد کند و شاید رمون آرون تنها اندیشمندی بود که در برابر (استبداد سارتری) قد علم کرد و او را به تحریف تاریخ متهم نمود. رمون آرون در ۱۴ مارس ۱۹۰۵ در پاریس به دنیا آمد. پدر و مادرش هر دو از خانواده‌ای سرشناس و نسبتاً متمکن بودند. سال‌های پر نشاط کودکی و نوجوانی آرون در شهر کوچک ورسای سپری شد، در تمام دوران مدرسه دانش‌آموزی کوشا و درس‌خوان بود. در ده سالگی در کتابخانه پدر با جهان ادبیات آشنا شد. او مشتاقانه کتاب‌های راسین، کرنی و مولیر را می‌خواند. روزی در کتابخانه اوراقی یافت که مربوط به (ماجرای دریفوس) می‌شد. کاپیتان دریفوس افسر یهودی ارتش فرانسه که بی‌گناه، انگ خیانت خورد و محکوم و تبعید شد. بعد از آن تاریخ رمون آرون مشتاقانه

هر کتاب و مدرکی که درباره دریفوس بود می خواند. به تعبیر دکتر نادر انتخایی که کتاب درخشانی درباره رمون آرون نوشته، بی عدالتی که در حق دریفوس شد و همچنین پایمردی بزرگانی چون امیل زولا و آنتول فرانس که پیگیر آزادی و تبرئه او بودند، رمون آرون را به سیاست علاقمند کرد. رمون در سال های تحصیل در دانشسرای عالی به تدریج از محیط خانواده فاصله گرفت و سعی کرد تا استقلال فردی و افق فکری اش را وسعت دهد. در ایام دانشجویی در کنار ژان پل سارتر و پل نیزان مثلثی تشکیل داده بودند تا با جوانان کاتولیک دانشگاه بحث و مخالفت کنند. در این دوران آرون هنوز با افکار و آثار کارل مارکس آشنا نشده بود اما با سوسیالیست ها همدلی نشان می داد چرا که به مفهوم (عدالت اجتماعی) اعتقادی ژرف داشت. یکی از مهمترین چهره های فرهنگ فرانسه در نیمه اول قرن بیستم امیل شارتییه ملقب به (آلن) بود، این معلم بزرگ و فروتن فلسفه، مانند سقراط با دانشجویان خود بحث می کرد و آن ها را به تفکر فلسفی تشویق می نمود. چندین نسل از روشنفکران فرانسوی حضور آلن را درک کرده بودند و چون پروانه گرد شمع وجودش می گشتند. رمون آرون اما خیلی زود خود را از سیادت اندیشه های آلن آزاد کرد روحیه واقع گرای رمون آرون با آرمانگرایی و صلح طلبی آلن همخوان نبود. فیلسوف بزرگ دیگری که بر او تاثیر گذاشت (لئون برانشویگ) بود که آرون را با فلسفه و جامعه شناسی آلمان آشنا کرد و به تشویق او رمون آرون به آلمان رفت تا بیشتر و بهتر بتواند با فضای فکری آن کشور آشنا شود. در دانشگاه شهر کلن رمون آرون یک دوره متفکران مخالف انقلاب فرانسه مانند ژوزف دومستر و لوئی دبنالد را درس داد و با دانشجویانش ادبیات فرانسه را مرور می کرد. سه سال اقامت آرون در آلمان روحیات و باورهای سیاسی او را به کل تغییر داد و معتقد شد که دوران باورهای صلح طلبانه آلن به سر آمده است. در سال ۱۹۳۵ کتاب کوچک اما بسیار مهمی را تحت عنوان (جامعه شناسی معاصر آلمان) منتشر کرد که نخستین معرفی جدی و آکادمیک از آثار ماکس وبر در فرانسه است. و به دنبال آن کتاب دیگری با نام (فلسفه انتقادی تاریخ) نوشت و به معرفی دو متفکر بزرگ آلمانی ویلهلم دیلتای و گئورگ زیمل پرداخت. پس از پایان جنگ دوم جهانی ویروس سیاست چنان به جان رمون آرون افتاده بود که تصمیم گرفت از طریق ژورنالیسم و روزنامه نگاری در صحنه سیاست فرانسه باقی بماند. او سال های دراز تاهنگام مرگش از مقاله نویسان برجسته روزنامه فیگارو و مجله اکسپرس بود. اما کتابی که نام رمون آرون

را به عنوان متفکری بزرگ و اهل جدل سیاسی بر سر زبان‌ها انداخت (افیون روشنفکران) است که چاپ نخست آن در سال ۱۹۵۵ منتشر شد. هدف آرون در گام اول از نگارش این کتاب، افسون زدایی از ارزش‌های عامی بود که همه روشنفکران رادیکال مشرب آن دوران، می‌پرستیدند و در سه واژه چپ، انقلاب و پرولتاریا خلاصه می‌شد. باید در نظر داشت که روی سخن آرون در این کتاب با (کمونیست‌ها) نبود زیرا آن‌ها دیرزمانی بود که آرون را نوکر بورژوازی می‌دانستند و آثارش را نمی‌خواندند. هدف آرون هشدار به روشنفکرانی بود که پیرامون حزب می‌چرخیدند و به اصطلاح آن زمان (رفقای راه) جنبش محسوب می‌شدند. در آغاز کتاب جمله‌ای از سیمون وی نقل شده که می‌گوید مارکسیسم نوعی باور دینی است اما این دین جدید دیگر نه افیون توده‌ها بلکه افیون روشنفکران است. کتاب افیون روشنفکران بی‌تردید یکی از آثار سیاسی بزرگ قرن بیستم است که بررسی آن بر نحله‌های فکری مختلف جامعه فرانسه، فرصت دیگری می‌طلبد.

